

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: بابک آزاد

۱۶ دسمبر ۲۰۱۲

باز هم در باره "الترناتیو"

در چهارچوب تبلیغاتی که قدرتهای غربی علیه "خطر" پروژه هسته ای جمهوری اسلامی سازمان داده اند و به دنبال تشدید تحریم هائی که علیه این رژیم اعمال شده، ما شاهد تلاشهای جهت متحد کردن برخی از مخالفان جمهوری اسلامی بوده و هستیم. کنکاش در این تلاشها مبین آن است که به واقع یکی از روشهایی که این قدرتها جهت تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی در پیش گرفته و به این وسیله می کوشند جدیت مخالفت خود با این رژیم و یا سیاستهای آن را در افکار عمومی بیشتر جا بیندازند همین "الترناتیو سازی" برای جمهوری اسلامی می باشد.

در این چهارچوب هر روز خبری مبنی بر تجمع تعدادی از سازمانها و افراد مخالف جمهوری اسلامی در این یا آن "کنفرانس" به گوش می رسد که در طی آنها برخی از چهره های شناخته شده قدرتهای امپریالیستی برای به اصطلاح شخصیتهای "اپوزیسیون" سخنرانی کرده و راه متحد شدن آنها و جایگزینی شان به جای جمهوری اسلامی را به آنها آموزش می دهند. از جلسه استکهلم و پاریس تا کنفرانس واشنگتن و بروکسل و اخیراً هم جلسه پراگ، در همه جا شاهد بوده و هستیم که چگونه قدرتهای امپریالیستی برای سازمانها و افرادی که به تغییر رژیم به وسیله این قدرتها دلخوش کرده اند، جلسه گذاشته و آنها را آموزش داده و مثلاً متحد می کنند. البته کسانی هم که به چنین کنفرانس ها دل خوش کرده اند، هم خود فریبند و هم مردم را فریب می دهند و گر نه هر کس کمترین شناختی از سیاستهای قدرتهای بزرگ امپریالیستی داشته باشد قادر است بفهمد که این بازی ها الزاماً برای متحد کردن اپوزیسیون و جایگزینی واقعی این دارو دسته ها به جای جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه بیشتر عامل فشاری است بر این رژیم. البته همین واقعیت بهانه ای هم به دست ماشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی می دهد تا با تکیه به نقش امپریالیستها و امریکا و نهاد های امنیتی شان در برگزاری چنین جلساتی، نه فقط این اپوزیسیون سازشکار بلکه کل اپوزیسیون را "وابسته" به قدرتهای غربی نشان داده و بکوشند تا در میان توده ها، نیروهای انقلابی و واقعاً مردمی مخالف رژیم جمهوری اسلامی را نیز منزوی سازند. یکی از نتایجی که این تلاشهای ضد انقلابی در بر دارد این است که این نیرو ها و افراد معلوم الحال بلندگوئی می شوند برای تبلیغ "معجزه" دخالتهای امپریالیستی در امور ایران و ایجاد دلخوشی در افکار عمومی نسبت به این بیراهه ضد مردمی. بر چنین اساسی است که مردم ما بیش از هر زمان دیگری باید دشمنانشان را در چهره های مختلف شناخته و برای مبارزه با آنها

آماده شوند؛ و جای امیدواری است که مردمی که تجربه جایگزینی خمینی به جای شاه در کنفرانس گوادالوپ را در مقابل خود دارند هرگز به افراد و نیرو هائی که جاده صاف کن امپریالیستها شده و خود را در واقع به آنها فروخته اند اعتماد نکرده و تره هم برایشان خرد نخواهند کرد.

در حال حاضر ستراتیژی جنگ طلبانه امپریالیسم امریکا از یک طرف و وضعیت ملت‌ها جامعه تحت سلطه ما به دلیل رشد هر چه فزونیتر خشم و نفرت توده ها از رژیم حاکم و موقعیت بحرانی جمهوری اسلامی از طرف دیگر شرایط پیچیده ای را به وجود آورده است.

یکی از پیچیدگی های شرایط کنونی برای مردم ما از این واقعیت نشأت می گیرد که در سالهای اخیر با شدت گیری بحران نظام سرمایه داری جهانی و قرار گرفتن ستراتیژی جدید امپریالیسم امریکا بر توسعه بلامنازع سلطه خویش، تنشهای امپریالیستی در سطح جهان بر سر چگونگی تجدید غارت و استثمار کارگران و خلقهای تحت ستم ایران و تقسیم مجدد منابع طبیعی آن نیز در میان امپریالیستها بالا گرفته و موجودیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نیز به طور طبیعی به یکی از اجزای این معادله و چگونگی فرجام آن بدل شده است. در چنین شرایطی است که ما شاهد تحرک گسترده امپریالیستها برای آماده کردن زمینه های مادی سیاستهای ضد انقلابی آتی شان در ایران هستیم. امپریالیستها و در راس آنها امریکا از یکسو با مطرح کردن "گزینه نظامی" چماق جنگ و کشتار را در بالای سر مردم ایران نگاه داشته اند و از سوی دیگر درست در همان زمان با تلاش برای آلترناتیو سازی و نفوذ در جنبشهای توده ای اجتماعی در صدد تحمیل پروژه های ضد انقلابی خود بر جنبش مردمی، به انحراف کشاندن مبارزات و سرکوب مبارزات آنها به منظور حفظ مناسبات ارتجاعی و استثمارگرانه موجود و در نتیجه در انقیاد نگاه داشتن کارگران و خلقهای تحت ستم ما برای یک دوره دیگر می باشند. آنان همین سیاست نفوذ در صف خلق از طریق افراد خود فروخته و اشاعه نظرات انحرافی و با آلترناتیو سازی ضد انقلابی را در شکلی دیگر در زمان رشد جنبش توده ای علیه سگ زنجیری شان شاه نیز به پیش بردند و از میان دارو دسته های مختلف با تحمیل رهبری دار و دسته خمینی بر جنبش مردم ما که البته کمک نیروهای سازشکار و اپوتونیست نیز در این رابطه باید به حساب آید، حفظ و تداوم سلطه خویش را با اتکاء بر رژیم دارو شکنجه جمهوری اسلامی میسر ساختند. همین سیاست در اشکال متفاوت در بسیاری از کشورهای دیگر نظیر عراق و مصر و لیبیا اجراء شده و امروز نیز به طور برجسته در سوریه در حال اجراست.

با توجه به همه این تجارب، اکنون نیز در شرایط بحران جاری، نیروهای انقلابی و به ویژه جوانان آگاه و مبارز ما باید با ارتقاء سطح آگاهی و تشدید تلاشهای مبارزاتی شان، درحالی که مبارزه خود را علیه دشمن اصلی یعنی امپریالیسم و جمهوری اسلامی با تمام جناح های ضد خلقی اش که حافظ نظام استثمارگرانه حاکم بوده و تا مغز استخوان به امپریالیسم وابسته است، متمرکز سازند، در عین حال سیاستهای ضد انقلابی را در هر شکلی که خود را نشان می دهند شناخته و نگذارند که خون و رنج و هستی مردم رنجیده ما دستاویز پیشبرد سیاستهای ضد خلقی خطرناک امپریالیستها و وابستگان و مشاطه گرانش شود. اکنون در شرایطی که مبارزات کارگران اسیر و به جان آمده برای نان و آزادی هر روز بیش از قبل گریبان نظام حاکم را می گیرد، در شرایطی که پیکار زنان در بند لحظه ای مزدوران حکومت را در خیابانها راحت نمی گذارد، در شرایطی که جوانان آگاه و مبارز هیچ فرصتی را برای سخره قدرت حاکم و درگیری با ماشین سرکوب آن از دست نمی دهند، در شرایطی که مبارزات خلقهای تحت ستم برای کسب حقوق عادلانه شان متوقف نمی شود و در شرایطی که برای در بند کردن هر ندای مخالف در افکار عمومی، سایه سهمگین زندانیان سیاسی در سیاهچالهای نظام و امواج دریای خونی که این رژیم با کشتار

سیستماتیک آزادخواهان در طول ۳ دهه گذشته پدید آورده، به آواری بر سر خود این رژیم تبدیل شده، ما می بینیم که امپریالیستها در تمام عرصه های فوق برای سوار شدن بر این جنبشها و مهار انرژی انقلابی آنها به تکاپو افتاده و با صرف منابع مادی و معنوی از طریق افراد و نیروهای سیاسی خود فروخته ای در صدد نفوذ و کنترل آنها برآمده اند.

امپریالیستها و کارگزاران شان در پیشبرد سیاست نفوذ در جنبشهای اعتراضی، به اسم حمایت از جنبش کارگری برای کارگران به جان آمده "تشکلهای کارگری" دست ساز درست می کنند و به چنین جریانهای پول و امکانات و تربیون می دهند؛ سعی می کنند تا با هزار و یک ترفند برای جدا سازی جنبش زنان از مبارزه آزادخواهانه کل جامعه، مبارزات زنان علیه دشمن اصلی را از کانال خود منحرف سازند؛ دار و دسته های مرتجع مسلح که زیر نام "حقوق ملی" سنگر گرفته اند را تغذیه کرده و برای انحراف مبارزات ملی-دمکراتیک حلقه های تحت ستم و ایجاد دشمنی و نفاق بین ملت های تحت ستم ایران به جلوی صحنه می رانند؛ با کمک اتاقهای فکر و نیروهای جیره خوارشان می کوشند تا با نقش آفرینی نیروهای رسوا که موجودیتشان در گرو حفظ نظام سرمایه داری و سلطه امپریالیسم می باشد برای آینده پس از جمهوری اسلامی، "آلترناتیو" سازی کنند. هیچ کدام از این به اصطلاح آلترناتیو ها حتا اگر در شرایط بحرانی مورد توجه و حمایت عملی امپریالیستها قرار گیرند، قادر به برآوردن کوچکترین خواست دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ما نیستند. به عکس این "آلترناتیوها" به رغم هر ادعائی که داشته باشند چون از بالا و توسط دشمنان قسم خورده مردم ما یعنی امپریالیستها ساخته و پرداخته شده اند، در واقع برای پیشبرد منافع و سیاست های آنان که در تباین با منافع و سیاست های دمکراتیک و مردمی است درست شده اند. در اوضاع ملتهب کنونی درک واقعیات فوق، آگاه گری در ارتباط با آنها در جامعه و کمک برای شناخت این سیاست ضد انقلابی در تمام اشکالش و بالاخره عمل به وظایف خطیر مبارزاتی که این وضع در مقابل نیروهای واقعاً دمکرات و آزادخواه و کمونیست قرار می دهد، تنها راهی است که نیروهای انقلابی و مبارز با پیگیری و پیمودن آن می توانند در پیشگاه تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان در بند، به وظیفه خود عمل کرده و نقش مترقی خود در پیشرفت تاریخ به نفع توده های دربند را ایفاء کنند.

به نقل از : ۱۹ بهمن ، نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۰۲ - ۱۵ آبان ماه [عقرب] ۱۳۹۱

[Alternative.htm-mid-col/19Bahman102-dar-bareh/http://www.siahkal.com/index](http://www.siahkal.com/index/Alternative.htm-mid-col/19Bahman102-dar-bareh/)